

## گزارشی از سفر آموزشی اهالی رسانه برای دوران بحران اردوی بحرانی

لیلا شوقی

خبرنگار

آمارها نشان می‌دهد ایران جز کشورهای حادثه‌خیز است. سیل، زلزله، آتش‌سوزی و خشکسالی تنها بخشی از بلایای طبیعی است که بر سر کشور هوار می‌شود و هر روز بحرانی می‌آفریند. همین چند ماه پیش سیل در ۲۵ استان بحران آفرید. بحرانی که هنوز هم ادامه دارد و حل نشده است. شریایی که مدیریت بحران را می‌طلبد. در این میان اما نقش رسانه و خبرنگاران را نمی‌توان نادیده گرفت. شاید به خاطر همین است که خبرنگاران بحران باید آموزش ببینند. در چارت مدیریت بحران و در سلسله مراتب، نقش رسانه، خبرنگاران و عکاسان بحران، در رده چهارم قرار دارد. نقش رسانه را امروز نمی‌توان در اطلاع‌رسانی بحران نادیده گرفت. به خاطر همین است که جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از متولیان مدیریت بحران، کارگاه توانمندسازی یک روزه برای خبرنگاران و عکاسان برگزار کرده است.



### قاب‌بندی در بحران

ضروری در زمان بحران و آنچه زمان بحران و در کوله سفری خبرنگاران باید با خود حمل کنند، درس عملی امروز آنهاست. خورشید که پشت کوه‌ها پنهان و هوا تاریک می‌شود، سرما جایش را سریع می‌گیرد. اگر تا همین چند دقیقه پیش، گرما بود که حکمرانی می‌کرد، با تاریک شدن هوا، این سرماست که حکم صادر می‌کند. دشت در سیاهی فرو می‌رود. حالا دیگر چشم، چشم را نمی‌بیند. صدای خروشان رودخانه و صدای جیر جیر ک‌ها لالایی شب اصحاب رسانه می‌شود.

روز دوم اردو با هیجان و پراشتهای شروع می‌شود. اولین کلاس، کلاس دکتر یداللهی است. خبرنگار قدیمی که به اندازه سن بسیاری از خبرنگاران و عکاسان شرکت‌کننده در اردو، سابقه خبرنگاری دارد. ارائه تجربیات و بحث‌ها درباره مدیریت بحران خبرنگاران در زمان بحران همچنان ادامه دارد. ساتیار امامی، وحید گنجی و محمد بهنود هر سه، از عکاسانی که در شرایط بحرانی حضور داشته‌اند، اصول تئوری خبرنگاری، آنچه در دانشگاه و پشت میزهای درس آموزش داده می‌شود را به چالش می‌کشند. از نظر آنها خبرنگار و عکاس باید قاب‌بندی خبری - گزارشی و عکسی خود را داشته باشد. در شرایط بحران زده گاهی سوژه نمی‌ایستد تا عکاس یا خبرنگار برنامه‌ریزی کند. صحنه خیلی زود ممکن است تغییر کند و همین‌ها ایجاب می‌کند تا اهل رسانه، تیزبین، باهوش و نکته‌بین باشد و از موقعیت به بهترین شکل ممکن برای پیشبرد اهدافش استفاده کند. بعد از یک و نیم روز کلاس تئوری، حالا گروه باید خود را آماده شرایط عملی کند. حضور در دشت لار، بخش خبرنگاری بحران عملی است.

### مشق بحران در طبیعت

دشت لار، سرسبز است. دشت یکدست سبز در دامنه کوه قرار دارد. صدای رودخانه خروشان همراه صدای پرندگان، موسیقی طبیعت لارند. آب پشت سد، رنگ آبی خوشرنگی به صحنه زده است. در صحنه‌آرایی آبی و سبز طبیعت اصحاب رسانه باید چادر برپا کنند. عملیات چادرزنی خیلی زود شروع می‌شود. گروه‌های چهار تا پنج نفره، به کمک هم، میله‌های فلزی را علم می‌کنند و چادر را روی آن می‌کشند. چادر با کار گروهی علم می‌شود. گروه عرق‌ریزان در حالی که ملخ‌ها و سوسک‌ها از سر و کولشان بالا می‌رود، برای خود خانه می‌سازند. زندگی در چادر، آشنایی با وسایل



منعکس‌کننده مشکلات زنان است هم نیاز است. عکاسان از مشکلات رفت و آمد و اجازه ورود به محل حادثه می‌گویند. برخی هم از شگردهایشان از ورود به محل حادثه و این که با چه ترفندهایی می‌توان خود را به صحنه رساند. کلاس یک و نیم ساعته خیلی زود به پایان می‌رسد. بحث‌ها اما به درون کلاس امداد و نجات و کمک‌های اولیه هم وارد می‌شود. در حین کلاس، زمانی که اصحاب رسانه در حال بستن آتل هستند و احیای بیمار را انجام می‌دهند، شگردهای دیگرشان را به اشتراک می‌گذارند. در بین پانسمان بستن، از تجربه گیر کردن در سیل می‌گویند و از این که در زلزله کرمانشاه در زمانی که زمین زیرپایشان می‌لرزید، بدون چادر و تجهیزات در گوشه خیابان، شب را تا صبح گذراندند و در آخر داخل قبرستان شهر، غم توی دلشان ریخت زمانی که جنازه‌ها تشییع می‌شدند. برخی حتی از روزهای خیلی نزدیک زلزله می‌گویند از این که در سالگرد زلزله، شهر هنوز در بحران است و حضور اصحاب رسانه را می‌طلبد.

محل برگزاری اردوی توانمندسازی، جایی نزدیک به پایتخت، در منطقه پلور است. یک ساعت بعد از حرکت، گروه به محل برگزاری اردو می‌رسند. خیلی زود، همه باید در کلاس‌های فشرده شرکت کنند. اولین کلاس، با موضوع مدیریت بحران است که دکتر تقی‌زاده آن را برگزار می‌کند. صحبت درباره اصول پایه‌ای مدیریت بحران، آشنایی با مقدمات تعریف و سلسله‌مراتب بحران، شناخت رفتار در مدیریت بحران از موضوع درس او در مدت یک ساعت و نیم است. استاد زارع، زلزله‌شناسی که برای اصحاب رسانه چهره آشنایی است، کلاس بعدی را برگزار می‌کند. او خبرنگاران و عکاسان را به چالش می‌کشد و مطالبه‌گری را از آنها خواهان است. شاید نمونه مشخص آن را بتوان ساخت دانشگاه علوم تحقیقات بر روی یکی از غسل‌های مهم تهران، در پایه کوه و در شرایط بحرانی دانست. سوال او از خبرنگاران این است: «چرا آن زمان که این مجموعه از دانشگاه در حال ساخت بود، هیچ رسانه‌ای به فکر مطالبه‌گری و تحقیق درباره شرایط بفرغ نبود؟»

### امدادرسانی با راه‌های عجیب و غریب

کلاس‌های بعدازظهر با کلاس‌های صبح تفاوت دارد. حالا دیگر نام کلاس معنا ندارد، دورهمی مناسب‌تر است. خبرنگاران بحران در این بخش از تجربیاتشان می‌گویند. از این که خبرنگاران خانم، با مشکلات بیشتری هم از طرف مدیران بحران و هم از طرف همکاران خود مواجه هستند. در شهر بحران زده اما به زن خبرنگار که



آفتاب زده، چادر روشن شده است. قله دماوند پیروزمانده خود را به چادرنشین‌های دشت لار نشان می‌دهد. آفتاب روی برف قله افتاده، برف حالا در نور نقره‌ای می‌درخشد. همه باید بساط چادرزنی را جمع کنند. کار گروهی به کمک هم می‌آید تا چادری که روز گذشته علم شده بود، جمع شود. بساط جمع کردن چادر تا ظهر زمان می‌برد. برگشت به اردوگاه و آماده شدن برای بازگشت به تهران اما زیاد طول نمی‌کشد. خبرنگاران و عکاسان، زمانی که کوله خود را می‌بندند، آشکارا ساکشان سنگین‌تر شده است. حالا تجربه حضور در یک جمع ۸۵ نفره، تجربه اشتراک تجربیات و حضور در طبیعت را دارند. حالا به نظر می‌رسد با تمرین در کنار هم قرار گرفتن، خود را برای یک بحران دیگر آماده کرده‌اند.

